

مطالعات فرهنگی و اجتماعی کلاس درس دانشگاهی در ایران

نویسندگان:

عباس کاظمی

امید صدیقیان بیدگلی

مین آراهم آبادی

فیروزه امیری

سید محمد سجاتی حسینی

رضا جیم

جبار رحمانی

کرم حبیب پور گتایی



پژشکده اساطعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مطالعات فرهنگی و اجتماعی کلاس درس دانشگاهی در ایران

عباس کاظمی، آمنه صدیقیان بیدگلی، حسین ابراهیم‌آبادی
فره‌اصغری، سیده‌محمود نجاتی‌حسینی، رضا صمیم
جباری، کرم حبیب‌پور کتابی
عزیزیهیث علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
ویراستار: سید صالح
طرح جلد: هادی قاسمی
چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
تیراژ: ۷۰۰
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
شابک: ۹۶۴-۶۹۹۶-۸۳-۷

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید بهشتی، پلاک ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷
سایت: www.iscs.ac.ir
پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir
کلیه آثار این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و تخصصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: کاظمی، عباس، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: مطالعات فرهنگی و اجتماعی کلاس درس دانشگاهی در ایران / گردآوری و
ویرایش عباس کاظمی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۳۷۶ص: جدول، نمودار. ۱۴/۲۱×۵/۵س.م.
شابک: 978-600-6996-83-7: ۱۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه
یادداشت: نمایه.
موضوع: کلاس‌های درس - ایران
موضوع: Classrooms -- Iran
شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ک ۸ ک / LB۳۳۲۵
رده‌بندی دیویی: ۳۷۱/۶۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۳۹۷۷

فهرست

۷	دیباچه پژوهشکده
۹	مقدمه / عباس کاظمی
۲۵	کلاس درس در دانشگاه‌های ایران / آمنه صدیقیان بیدگلی
۴۹	ابعاد روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و تربیتی کلاس درس / حسین آیدم‌پاک
۹۹	نارضایتی از کلاس درس / فیروزه اصغری
۱۳۷	تبارشناسی کلاس درس / سیدمحمود نجاتی حسینی
۲۰۷	چگونه کار جمعی در کلاس درس دانشگاه ایرانی ناممکن می‌شود؟ / رضا صمیم
۲۴۱	درس‌های عمومی معارف اسلامی و مسئله دانشجوی متعهد / جبار رحمانی
۲۷۳	کلاس درس در دانشگاه‌های ایران: دوراهی جنسیتی / کرم حبیب‌پور مکی
۳۳۹	روزمه شدن دانشگاه و زندگی روزمره کلاس درس در ایران: نگاه استادان و دانشجویان / عباس کاظمی
۳۷۷	نمایه

دیباچه پژوهشکده

دانشگاه امروزی در اثر چرخش‌های فرهنگی، اجتماعی و فناوری در عصر حاضر دستخوش تغییراتی شده، و این تغییرات موجب ظهور مفاهیم تازه‌ای در مطالعات آموزش عالی، علم و فناوری گردیده است. در این بستر جهانی، در سال‌های اخیر مطالعات فرسنگی اجتماعی آموزش عالی، علم و فناوری نه تنها مورد توجه واقع شده بلکه در نظام شناخت و آینده‌نگری آموزش عالی اهمیت محوری پیدا کرده است. فهم چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی و انتظارات از آن با تکیه بر مولفه‌های علمی و بیرونی نظام علم، وضعیت فعلی و آینده‌نگری تعاملات میان دانشگاه و محیط پیرامون به مدد مطالعات فرهنگی و اجتماعی ممکن می‌نماید و از این عرصه می‌توان راهبردهای تعادل‌بخش میان کارویژه‌های دانشگاه با نیازهای اجتماعی و بازار کار ارائه داد. براین اساس مطالعات آموزش عالی و علم برای شناخت وضعیت موجود، ارزیابی تعاملات آن با جامعه و فرهنگ و ایفای نقش موثرتر آموزش عالی در ترسیم آینده کشور نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت علوم اجتماعی و علوم انسانی و کاربرست راهبردهای آن در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است. برای دستیابی به این اهداف،

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۲ با هدف پژوهش در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی، ایفای نقش نهاد واسط میان دانشگاه و جامعه و به‌عنوان نهاد مولد اندیشه و اتاق فکر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه‌های مورد اشاره تاسیس شده و در پی انجام پژوهش‌ها و مطالعاتی در محورهای زیر است:

۱. پژوهش در زمینه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، توسعه علم و فناوری.
۲. مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی.
۳. توسعه کانون‌های تفکر در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی.
۴. توسعه علمی.
۵. آینده‌نگری دانشگاه‌ها و شناخت نیازهای جدید آموزش عالی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی.
۵. شناخت و بسط مطالعات میان‌رشته‌ای و راسخ‌های گسترش آن.

با توجه به اهداف فوق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در کنار برنامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی، اقدام به تالیف و ترجمه آثار علمی در زمینه‌های فوق برای توسعه و رشد این حوزه مطالعاتی و همچنین تامین منابع فکری و علمی لازم برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در آموزش عالی نموده است. امیدواریم کتاب‌های منتشر شده توسط این پژوهشکده، به بهترین شکل در دسترس استادان، مدیران و دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی قرار گیرد و در ارتقای کیفی کارویژه‌های آموزش عالی و علم در جامعه ایران به سهم خود نقشی فعال داشته باشد.

مقدمه

کلاس، عرصه‌ای چندبعدی و در ساده‌ترین شکل، دریچه‌ای است برای فهم تحولات، تغییرات و به‌طور کلی آنچه در دانشگاه‌های ما می‌گذرد. آموزش عالی و دانشگاه‌های ما در کلاس‌های درس معنا می‌یابند، استادان برای تدریس در کلاس استخدام می‌شوند و از آن طریق مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و دانشجویان از طریق حضور در کلاس درس، دوره‌های تحصیلی خود را می‌گذرانند. اگر این حلقه، یعنی کلاس درس به‌درستی کار نکند، دانشگاه‌ها در تولید متخصص و همچنین تولید دانش، دچار مشکل می‌شوند، اما این یک بعد از فهم تجربه کلاس درس در دانشگاه‌ها است، یعنی کلاس‌ها به‌عنوان عرصه یادگیری و آموزش.

کلاس‌ها، گاهی به‌عنوان فرصتی دیده می‌شوند که از طریق آن‌ها مدرک‌های دانشگاهی کسب می‌شوند، یعنی کلاس، به‌معنای جایگاه دریافت نمره و درنهایت، کسب مدرک. تجاری شدن علم و سیاست، انبوه‌سازی دانشجو در ایران و موضوع دشوار بازار کار، کلاس‌های درس

را تنها به مناسک گذار و محل عبور از درس‌ها و گرفتن نمره تبدیل کرده است. در عین حال برای برخی حضور در کلاس، تنها بخشی از فرایند کسب منزلت، یعنی زیستن ذیل نام دانشجو و دریافت مدرک است، به این معنا، کلاس جنبه اقتصادی ندارد، بلکه نوعی برساختن منزلت فرهنگی است که از طریق حضور در آن و گذراندن واحدها ممکن می‌شود؛ بنابراین، برداشت دوم از کلاس‌ها این است که آن‌ها را به‌عنوان مناسک گذار برای کسب مدرک و برساختن موقعیت اجتماعی درک کنیم.

کلاس‌ها همچنین قلمروهایی هستند که از طریق آن‌ها، فضاهای اجتماعی جدیدی تولید می‌شوند، یعنی فضای زیسته کلاس، فضای منحصربه‌فردی است که در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد. دانشجویانی که از شهرهای کوچک و بزرگ می‌آیند حضور در دانشگاه‌ها و همچنین در کلاس را بخشی از فضای ماندگاری می‌بینند که تجربه بالغ شدن و جوانی خود را در آن طی می‌کنند. هویت‌های جدیدی شکل می‌گیرد، اطلاعات جدیدی کسب می‌شود، نگرش‌های جوانی خلق می‌شود و شبکه‌های ارتباطی جدیدی به‌وجود می‌آید. همه کسانی که کلاس درس را به‌عنوان فضایی اجتماعی مطالعه می‌کنند، به خلق تعاملات اجتماعی، شبکه‌های روابط، و در نتیجه برساخته شدن هویت‌های جدید می‌پردازند. کلاس در این دیدگاه، صرفاً عرصه یادگیری و تبادل دانش نیست بلکه قلمرو جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن است. دانشگاه‌ها در جامعه ایران و در بستری که همواره در حال تغییر است، از طریق کلاس‌های درس چه نقشی ایفا می‌کنند؟ یکی از مهم‌ترین کارکردهای کلاس‌های درس دانشگاهی در جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران، این است که آن‌ها می‌توانند بخشی از فضای مدرن شدن افراد باشند.

و در پایان، چهارمین رویکرد ما به کلاس درس این است که کلاس‌ها

به عنوان فضایی مرتبط با کلیت جامعه ایرانی دیده شوند. کلاس‌ها بخشی از فضای کلی جامعه هستند و بنابراین می‌توان شکل‌های روابط و تغییرات فرهنگی در جامعه را از طریق کلاس مطالعه کرد. چگونه از طریق مطالعه کلاس‌های درس می‌توان درباره جامعه در حال تغییر ایران تأمل کرد؟ چگونه فضاهای کلاس‌های درس می‌توانند بخشی از فرایند بازتولید فرهنگ حاکم در ایران در نظر گرفته شوند؟

از سوی دیگر، در این برنامه پژوهشی هدف این نیست که فضای خارج از «کلاس درس» نادیده گرفته شود، اما برای اینکه بدانیم خارج از کلاس درس چه می‌گذرد باید بدانیم که در کلاس چه می‌گذرد. آنچه در کلاس درس می‌گذرد ما را در آنچه در محیط دانشگاه وجود دارد نیز آگاه می‌کند؛ مثلاً نتایج پژوهش لاهی (۲۰۰۶) درباره کلاس درس نشان می‌دهد که بسیاری از یادگیری‌ها خارج از کلاس درس رخ می‌دهند، یعنی یاد گرفتن از یکدیگر یا از راه تجربه کردن، اما برای فهم سنجش‌های فضای دانشگاهی و فهم آنچه در خارج از کلاس می‌گذرد، باید از تدریس در کلاس شروع کنیم (Atkinson, Buck and Hunt, 2009). اکسس و بلازنفیلد (۱۹۸۵) رابطه میان تجربه‌های کلاس درس و جنسیت دانشجویان را مطالعه کرده‌اند. دی‌بلیز (۲۰۰۳) با مطالعه درباره دختران افریقایی-آمریکایی، به دنبال آن بود تا دریابد آن‌ها چگونه هویت و نژاد خود را از طریق گفت‌وگو با متون و کلاس درس می‌سازند، اما به دلیل اینکه این کلاس‌ها مبتنی بر آگاهی‌های جنسیتی و نژادی بودند، تجربه دانشجویان و برساخت هویتشان دویاره شده بود. در نتیجه دختران دریافته بودند که زندگی دانشگاهی‌شان را از زندگی خصوصی‌شان جدا کنند (DeBlase, 2003: 279). شاپنسر (۲۰۰۴) نیز در پژوهشی به بررسی تعاملات میان دانشجویان و استاد می‌پردازد و درباره شیوه کلاس‌داری تحقیق می‌کند (Shpancer, 2004). میر و همکاران (۲۰۰۶) مسئله تضاد در کلاس و شیوه

مدیریت آن را بررسی کرده‌اند. موضوع کلاس‌های مجازی و تغییر نقش مدرس و شیوه متفاوت کنترل دانشجو و درس، موضوع پژوهش کانسیکو (۲۰۰۶) بوده است. این تحقیق درباره تجربه استادان در تدریس آن‌لاین انجام شده است و نتایج به دست آمده از آن نشان می‌دهد که فرایند تدریس و آموزش همچنین یادگیری، فرایندی همواره سیال، متغیر، و متقابل است. نقش سستی دانشجویان و آموزش دهنده در فضای مجازی تدریس به طور کامل تغییر می‌کند و شکل جدیدی پیدا می‌کند (Conceicao, 2006: 26-45).

در نزد سال ۲۰۰۷، ایده «کلاس دانشجو محور» را مطرح می‌کند و نقش استاد را در یک تسهیل گر فرومی‌کاهد (Jones, 2007). آتکینسن و همکارانش (۲۰۰۷) کلاس درس را هم عرصه‌ای برای ظهور و تمرین جامعه‌شناسی می‌دانند و هم فضایی برای تعامل استاد دانشجو. (tkinson, 2009). Duck and Hunt, 2009) در سوتی دیگر، هملاک و فرایزن (Hamelock & Friesen, 2012) درباره معانی مختلفی که ممکن است سکوت دانشجویان در کلاس داشته باشد، تأمل کردند. سکوت و خاموش بودن دانشجویان می‌تواند نشانه انفعال، بی‌قدرتی، ترجیح بی‌اسی، اطاعت باشد. سکوت می‌تواند امری جنسیتی باشد یا با هویت و ارتباط داشته باشد. در عین حال آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید سکوت را به عنوان بخشی از فرایند یادگیری نیز مورد تحقیق قرار دهند. آن‌ها همچنین فضای کلاس را به چهار بخش زمان زیسته، بدن زیسته، فضای زیسته، و مناسبات زیسته^۱ در کلاس تقسیم کرده‌اند. استرایکلند (۲۰۱۳) نیز درباره این موضوع پژوهش کرد که چگونه می‌توانیم «کلاس مبتنی بر نمره را به کلاس مبتنی بر یادگیری تغییر دهیم (Strickland and Strickland, 2013). تحقیقات درباره کلاس درس به عنوان موضوع پژوهش، بسیار فراگیرتر از آن چیزی است که ما در اینجا ذکر کردیم.

در ایران اگرچه کلاس درس به عنوان برنامه پژوهشی مورد توجه نبوده است، اما دو گروه بیش از همه به کلاس درس و آموزش توجه کرده‌اند؛ گروه نخست، مطالعات دانش‌آموزی است که موضوع بحث ما نیست. این گروه، مقاله‌های فراوانی در مجله‌های مرتبط با مدارس و آموزش و پرورش درباره فرهنگ کلاس، شیوه‌های آموزش، تعاملات اجتماعی در کلاس و... تدوین کرده‌اند. دسته دوم، تحقیقاتی هستند که در مورد کلاس‌های دانش‌آموزان و بیشتر در رشته پزشکی انجام شده‌اند و بخش محدودی از آن‌ها در مجله آموزش عالی ایران به چاپ رسیده است.

پژوهش‌های مرتبط با کلاس درس را می‌توان در چند دسته جای داد: - پژوهش‌هایی که بیشتر بر حضور و کیفیت یادگیری معطوف شده‌اند. این دسته پژوهش‌ها غایت داشتند کلاس درس را به عنوان یکی از مسائل مهم در دانشگاه در نظر گرفته‌اند و در پی فهم دلایل غیبت از کلاس برآمده‌اند (مادرشاهیان، ۱۳۹۲؛ ترابی و همکاران، ۱۳۹۳). غیبت در این دسته از پژوهش‌ها، علت مهم عدم یادگیری دانسته شده است. نتایج این تحقیقات بیشتر حول کیفیت کلاس، کنترل ضعیف استادان و... قرار دارد؛ برای مثال، آزموده و همکاران، عدم حضور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار را موضوع تحقیق خود قرار داده‌اند. در افزایش میزان حضور در کلاس، عواملی دخیل هستند که مهم‌ترین آن‌ها در وهله نخست، مسائل مربوط به استاد، همچون محتوای ارائه شده در کلاس درس و جذابیت سخنان است. استاد (آزموده و همکاران، ۱۳۹۳). تحقیق کرمی و همکاران نیز عوامل مؤثر بر حضور و عدم حضور در کلاس‌های درس نظری از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند نامناسب بودن روش تدریس استادها، کم‌بازدهی کلاس‌ها، و خستگی ناشی از کلاس‌های پیشین، باعث غیبت دانشجویان پزشکی در کلاس درس شده‌اند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۳).

مهرعلیزاده و همکاران، به جای حضور یا غیبت، درباره تمرکز در کلاس درس تحقیق کرده‌اند. آن‌ها عدم تمرکز را مهم‌ترین مسئله کلاس می‌دانند و ادعا می‌کنند که با علم به این موضوع که تمرکز، امری اکتسابی است، با تغییر برخی الگوهای رفتاری دانشجویان از جمله برنامه‌ریزی زنی، برای داشتن استراحت کافی، توجه به کاربردی مطرح کردن مباحث درسی، و ایجاد انگیزه در دانشجویان و درنهایت، بهبود عوامل محیطی از جمله سرایه، نیزیکی کلاس، می‌توان در راستای تقویت تمرکز در کلاس گام‌های ضروری برداشت (مهرعلیزاده، ۱۳۹۳).

همان‌گونه که گفته شد، این دسته از پژوهش‌ها بیشتر پایین بودن کیفیت کلاس و شیوه‌های تدریس استادان را عامل غیبت از کلاس تلقی کرده‌اند. - دسته دوم از پژوهش‌ها بر استادان و تلقی منفی از کلاس متمرکز شده‌اند. چراغی و همکاران بر سه استاد در کلاس درس تأکید کرده‌اند (چراغی و همکاران، ۱۳۹۳). یاری‌قلی در «تجربه دانشجویان از عدالت اساتید»، نقش رفتار عادلانه و ناعادلانه را بر ادامه و پیشرفت تحصیل سنجیده است (یاری‌قلی، ۱۳۹۳). وکیلی نیز نقش کیفیت استاد را در غیبت دانشجویان مهم دانسته است (وکیلی، ۱۳۹۳). کاردرش بودن حضور در کلاس نزد دانشجویان، یکی از عوامل مهم غیبت فرض شده است. دانشجویانی که بیشتر غیبت کرده‌اند، حضور در کلاس در آن‌ها کم‌فایده‌تر از دانشجویانی دانسته‌اند که حضور داشته‌اند (ماردشاهیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۸۶). در پژوهش خورگویی و همکاران، حدود ۴۰ درصد از دانشجویان پزشکی دانشگاه بندرعباس، به حضور در کلاس درس گرایش نداشته‌اند یا گرایش اندکی داشته‌اند (خورگویی و همکاران، ۱۳۹۱).

- دسته سوم، بر استفاده از فناوری‌های نوین در کلاس و به‌طور کلی شیوه‌های تدریس متمرکز شده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها نقش و میزان

استفاده از فناوری‌های جدید و اینترنتی را برای کلاس سنجیده‌اند و درباره نگرش مثبت استاد و دانشجو به کاربرد اینترنت در کلاس صحبت کرده‌اند (نعمی و همکاران ۱۳۸۸، ملکی و همکاران، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، فانی و همکاران (۱۳۹۳) به مقایسه دو شیوه سنتی و جدید (چندرسانه‌ای) تدریس در کلاس‌های درس دانشجویان دندانپزشکی پرداخته‌اند. درویش قدیمی و رودباری نیز بر تطابق سبک‌های تدریس با سبک‌های یادگیری دانشجویان و یا به عبارتی بر این مسئله که باید به تعامل تدریس-یادگیری بیشتر توجه شود، تأکید کرده‌اند (درویش قدیمی و رودباری، ۱۳۹۳).

قاسمیان، صفایی و فرج‌زادگان، مشارکت فعال دانشجو در تدریس را کلید موفقیت در یادگیری دانسته‌اند (قاسمیان صفایی و فرج‌زادگان، ۱۳۹۳). بازرگان و همکاران نیز بر مشارکت فعال و تجربه زیسته در کلاس تأکید کرده‌اند (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۲). علاوه بر تحقیق درباره شیوه مشارکتی کلاس‌های درس، برخی از پرسش‌ها، شبهه گفت‌وگویی و انتقادی در کلاس را موضوع تحقیق خود قرار داده‌اند (-ج حسینی، ۱۳۹۲).

- دسته چهارم از پژوهش‌ها به تعامل استاد و دانشجو اشاره داشته‌اند. بهادر و همکاران، رابطه متقابل استاد و دانشجو را در کلاس درس بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که حفظ حرمت و احترام دانشجو توسط استاد، رعایت عدالت در برخورد با دانشجویان توسط استاد و انتقادپذیری استاد، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر برقراری ارتباط بین استاد و دانشجو در دیدگاه دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه است (بهادر و همکاران، ۱۳۹۳).

همه این‌ها نشان می‌دهد که کلاس درس عرصه‌ای فراخ برای مطالعه است و نقش مهمی در مطالعات دانشگاهی دارد، اما با این حال، پیشینه کارها در ایران نشان می‌دهد که بخش‌های عمده‌ای از موضوعات بررسی نشده و مغفول مانده وجود دارند که باید مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند.